

## جایگاه نظریه ادراکات اعتباری در علوم اسلامی با نگاه به آثار علامه طباطبایی

محسن حسین نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

اگر چه با گذشت بیش از ۵۰ سال از طرح نظریه ابتکاری ادراکات اعتباری، هنوز این نظریه از سوی اندیشمندان و محققین در انزوای علمی به سر می‌برد؛ اما وقتی به آثار مبدع این نظریه مراجعه میکنیم میبینیم علامه طباطبایی اندیشه های اجتماعی خود را در منظومه این نظریه ارائه کرده است تا جایی که میتوان گفت ظرفیت این را دارد تا خلا یک نظریه فلسفی-اسلامی در علوم اسلامی را پر کند.

پرسش اصلی این تحقیق این است که با نگاهی با آثار علامه طباطبایی نظریه ابتکاری ادراکات اعتباری شایستگی چه جایگاهی در علوم و اندیشه های اسلامی را دارد یا میتواند داشته باشد؟ این نظریه در یک معنای عام و گسترده، منطق متعالیه علوم و اندیشه های اعتباری یا همان امتداد اعتباری حکمت متعالیه در علوم و اندیشه های اعتباری و بیان ویژگیهای این اندیشه هاست. برهانی بودن این نظریه، شمول فراگیر آن نسبت به همه افعال ارادی انسان، فلسفه مند کردن علوم انسانی با تکیه بر فلسفه صدرایی و ترسیم یک رابطه معنا دار طولی و نیز عرضی در بین افعال با توجه به سعادت انسان و استنادات متعدد به این نظریه در جای جای آثار علامه برای تحلیل مفاهیم و علوم اجتماعی، از جمله نکاتی است که در این مقاله از آنها سود جسته ایم.

کلیدواژه ها؛ نظریه ادراکات اعتباری، علوم اسلامی، علامه طباطبایی، علوم انسانی

<sup>۱</sup> درس خارج حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام از دانشگاه تهران (فارابی)

## مقدمه

نظریه ادراکات اعتباری نظریه ای در تحلیل ادراکات عقل عملی یا همان بایدها و نبایدهای جزئی عقل عملی است که از سوی علامه طباطبایی مطرح شده است. علامه طباطبایی در این نظریه با تحلیل ادراکات اعتباری به جوانب مختلفی از این ادراکات میپردازد؛ اندیشه های اعتباری چگونه پدید میآیند؟ چه رابطه ای با امور حقیقی و نیز کمالات ثانیه دارند؟ تغییر و تحول در امور اعتباری چگونه است و چه منطقی بر آنها حاکم است؟ اصول ثابت و متغیر این اندیشه ها چه هستند؟ ارزش منطقی آنها چگونه است؟<sup>۲</sup> این سوالات از صریح ترین پرسش هایی است که نظریه اعتباریات بدنبال پاسخ به آنها بوده است. این بررسی ها و تحقیقات حول اندیشه های اعتباری بصورت گسترده ای بصورت منسجم یا پراکنده در آثار گوناگون علامه طباطبایی مطرح شده است و با عنوان نظریه ادراکات اعتباری از ابتکارات بسیار مهم علامه طباطبایی به شمار میرود.

این نظریه با توجه به تحقیقات ایشان در این زمینه و استنادات مستقیم و غیر مستقیم ایشان به آن در تحلیل هایی که در حیطه علوم انسانی و اسلامی انجام داده اند به نظر میآید که جایگاه بسیار مهمی در علوم اسلامی ما میتواند داشته باشد. علامه در ذیل بررسی های خود در این باره، مسائلی را حل کرده است که عملاً باعث پدید آمدن یک نظام اندیشه عقلی فلسفی برای تحلیل رفتارهای گوناگون و علوم عملی انسان شده است و با توجه به اینکه علوم انسانی در شاخه های مختلفش ناظر به رفتارهای انسان است اهمیت نظریه اعتباریات به عنوان یک نظریه بر آمده از اندیشه های فلسفی اسلامی بیشتر مشخص میشود.

**پیشینه:** تحقیق مستقلی در باره جایگاه نظریه ادراکات اعتباری در علوم اسلامی تا کنون صورت نگرفته است اما در ذیل بعضی آثار و بصورت پراکنده با استناد به آثار علامه طباطبایی اشاره هایی به جایگاه این نظریه و ظرفیت های آن در علوم اسلامی شده است. در اینجا به مهمترین این موارد اشاره می کنیم. در پژوهش هایی که از سوی بعضی محققین صورت

<sup>۲</sup> طباطبایی، مجموعه رسائل، رساله الاعتبارات، ص ۳۴۳، همو، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۱۲۴

گرفته سعی شده با تکیه بر ظرفیت های این نظریه و با استناد به آثار مختلف علامه به تحلیل عقلانی و ارائه پاسخ های جدید در مسائل متنوعی پرداخته شود؛ مسائلی همچون مردم سالاری<sup>۳</sup>، جامعه و سیاست<sup>۴</sup>، مسئله شر<sup>۵</sup>، تفسیرهای جدید از اندیشه های اعتباری<sup>۶</sup>، تاثیر نظریه اعتباریات در روش شناسی استدلال در اصول فقه<sup>۷</sup>، ارتباط مستقیم نظریه اعتبارات با حکمت صدرایی<sup>۸</sup>، تحلیل سوالات جدید همچون مسئله فرهنگ<sup>۹</sup>، جایگاه شناسی علم انسانی شناسی<sup>۱۰</sup> و تولید علوم انسانی<sup>۱۱</sup>.

همه این بررسی ها و استنادات نشان گر ظرفیتهای تحلیلی جدیدی است که نظریه ادراکات اعتباری برای علوم انسانی اسلامی فراهم میکند؛ اما با این همه هیچ کدام از این تحقیقات بصورت کلان و جامع به بررسی جایگاه نظریه اعتباریات نپرداخته اند و یک ارزیابی کلی و جامع از این نظریه ارائه نکرده اند و آنگونه که شایسته این نظریه است جایگاه این نظریه را روشن نشده است.

ما در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که با توجه به مطالبی که علامه طباطبایی ره در آثار خود در ذیل نظریه اعتباریات یا در رابطه با نظریه اعتباریات مطرح کرده اند این نظریه ابتکاری شایسته چه جایگاهی در علوم اسلامی است و چه ظرفیت های جدیدی پدید آورده است؟

در این مقاله سعی شده مهمترین ویژگیهایی که بصورت روشن، نقش اساسی این نظریه در علوم اسلامی را نمایان میکند در یک سیر منقح و منطقی بیان شود.

---

<sup>۳</sup> یزدانی مقدم، مردم سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۱، ص ۱۳۲

<sup>۴</sup> حسنی فر، کارکرد نظریه ادراکات اعتباری در اندیشه سیاسی-اجتماعی علامه طباطبایی، مجله پژوهش های فلسفی-کلامی، شماره ۷۱، ص ۲۱۹

<sup>۵</sup> هوشنگی؛ حسینی، تقریری نو از مساله شر بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مجله فلسفه و کلام اسلامی، شماره ۱، ص ۱۳۷

<sup>۶</sup> ترکاشوند؛ میرسپاه، تفسیر نو از اعتباریات علامه طباطبایی با نگاهی تطبیقی بر رساله اعتباریات و تفسیر المیزان، مجله معرفت فلسفی، شماره ۲۹، ص ۲۵

<sup>۷</sup> صرامی، جایگاه ادراکات حقیقی و اعتباری در علم اصول فقه نزد علامه طباطبایی ره، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۲۷ و ۲۸، ص ۲۳۶

<sup>۸</sup> یزدانی مقدم، حرکت جوهری و ادراکات اعتباری با نگاه به اندیشه فلسفی-سیاسی علامه طباطبایی ره، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۹، ص ۱۱۵

<sup>۹</sup> مصلح، «اعتباریات علامه طباطبایی» مبنای طرحی فلسفی برای فرهنگ، مجله حکمت و فلسفه، شماره ۳۶، ص ۲۷

<sup>۱۰</sup> موسوی؛ حسنی، نقش نظریه اعتباریات در جایگاه شناسی علم انسان شناسی، مجله انسان پژوهی دینی، شماره ۳۵، ص ۱۸۱

<sup>۱۱</sup> طالب زاده، نگاهی دیگر به ادراکات اعتباری، امکانی برای علوم انسانی، مجله جاویدان خرد، شماره ۱۷، ص ۲۹

## ۱. برهانی بودن نظریه ادراکات اعتباری

اولین نکته ای که در باب جایگاه نظریه ادراکات اعتباری باید در نظر داشت برهانی بودن این نظریه است. علامه طباطبایی در ابتدای رساله اعتباریات مینویسد:

"لم نرکن فیما وضعنا من بیان إلاّ إلى البرهان الصریح فیما یمکن فیہ ذلك، و إلى التوهم المجرد فی غیره"

«در نظریه اعتباریات تا جایی که امکان داشته تنها به برهان صریح تکیه داشته ایم و درجایی که امکان برهان نبوده است به توهم مجرد از غیرش تکیه داشته ایم»<sup>۱۲</sup>.

اینکه علامه در کنار برهان صریح، توهم مجرد را نیز از منابع رساله اعتباریات ذکر میکند به معنای غیر برهانی بودن بعضی از اجزای این نظریه نیست بلکه این مسئله مبتنی بر تحلیل خاص علامه طباطبایی از ظرف اعتبار است. علامه معتقد است که ظرف اعتبار، ظرف وهم است حال اگر وهم را بصورت مجرد و بماهو وهم و بدون اینکه متأثر از امری غیر از خود باشد در نظر بگیریم در تعامل با نیازها و خارج، فعالیتش به صورتی خاص خواهد بود و از این راه میتوانیم به یک سری قضایای کلی<sup>۱۳</sup> برسیم. از این رو این قضایا که بیان گر اقتضای ظرف وهم نسبت به نیازهای واقعی و فطری انسان هستند شرایط باب برهان را دارا خواهند بود و بیانگر ضوابط و علوم اعتباری ای هستند که نسبت به ظرف وهم، ذاتی و ضروری و کلی هستند. این نوع استدلال مشابه استدلال به رجل معلق برای اثبات نفس انسانی توسط ابن سیناست<sup>۱۴</sup>.

پس در اولین قدم در بررسی جایگاه نظریه اعتباریات باید در نظر داشت که این نظریه یک نظریه برهانی و یقینی است.

## ۲. شمول فراگیر نسبت به همه افعال ارادی

نکته دومی که در بررسی جایگاه این نظریه باید بدان توجه داشت شمول فراگیر موضوع نظریه ادراکات اعتباری نسبت همه بایدها و نبایدهای زندگی انسانی است. نظریه اعتباریات را با محور قرار دادن اندیشه های اعتباری، باید در درجه اول به مثابه منطق اندیشه ها و علوم اعتباری دانست؛ در درجه دوم با توجه به منطقی که تولید کرده به بررسی و تجزیه و تحلیل اندیشه ها و یا نظام اعتباریات میپردازد. این دو ویژگی سبب شده تا این نظریه بصورت جدی پتانسیل تجزیه و تحلیل و بررسی همه بایدها و نبایدها و بالتبع افعال ارادی انسان را داشته باشد. در عناوین بعدی این نکته روشن تر میشود.

<sup>۱۲</sup> طباطبایی، مجموعه رسائل، رساله الاعتبارات، ص ۳۴۰

<sup>۱۳</sup> دقت شود؛ منظور از کلی در اینجا کلی باب برهان است.

<sup>۱۴</sup> ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ص ۸۰

قطعا برای یک متفکر اسلامی که به با سوالات بسیاری در حیطه علوم انسانی و اجتماعی روبروست نظریه اعتباریات به خاطر این ویژگی اش از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود.

### ۳. ترسیم فلسفی یک رابطه طولی و عرضی بین مبانی هستی شناسی، افعال و سعادت انسان

سه مسئله کلان در رابطه با ادراکات اعتباری در آثار علامه مورد بحث قرار گرفته است:

اول رابطه ادراکات اعتباری با مبادی هستی شناسی حکمت متعالیه؛ در این بخش علامه مبادی هستی شناسی صدرایی را یک بار دیگر متناسب با این نظریه باز تعریف کرده است. این مبادی را با توجه به کتابهای بررسی های اسلامی، المیزان و نیز مقاله ادراکات اعتباری میتوان بصورت منسجم تبیین کرد.<sup>۱۵</sup>

دوم منطق و نظام اندیشه های اعتباری: این بخش به دلیل موضوعات اعتباری فراوان و نیز به عنوان محور اساسی بعضی شبهات مورد بحث در زمان علامه طباطبایی، مفصلترین بخش در رابطه با نظریه اعتباریات میباشد. در این بخش علامه ابتدا به تعریف و تبیین ویژگیهای اعتباریات پرداخته است و میتوان آن را به مثابه منطق علوم اعتباری قلمداد کرد و در وهله دوم به تبیین نظام اعتباریات پرداخته است که بخش زیادی از آن را میتوان به منزله بازتعریف حکمت عملی بر اساس منطق اعتباریات و مبادی هستی شناسی صدرایی قلمداد کرد. در این قسمت علامه مبتنی بر کنش های وجودی و فطری انسان و حرکت جوهری عالم ماده، یک سیر و نظام اعتباری را بصورت منسجم ترسیم کرده است.

سوم رابطه ادراکات اعتباری با معاد؛ در این بخش علامه به نقش علوم اعتباری در سعادت و شقاوت انسان پرداخته است. این مطالب را در ذیل رساله نبوات و منامات و نیز دیگر آثار علامه میتوان بصورت منسجم مورد بررسی قرار داد. برای روشن شدن گستردگی ابتکار علامه طباطبایی در این قسمت بصورت چکیده و در قالب یک گزارش هر سه بخش را بصورت منسجم و منظم بیان میکنیم:

#### الف - مبادی هستی شناسی

نظریه اعتباریات دارای یک پیشینه هستی شناسانه منسجم و بازتعریف شده از حکمت صدرایی در اندیشه علامه طباطبایی است. در این نگاه و نظام هستی شناسانه، به عنوان مبادی هستی شناسی نظریه اعتباریات، خداوند به عنوان علت العلل در راس هرم هستی قرار دارد<sup>۱۶</sup> و در سیر تجلی اش عوالم عقلی و مثالی و مادی پدید میآیند. در سیر نزولی

<sup>۱۵</sup> مسئله مبادی هستی شناسی نظریه اعتباریات را در یک مقاله مستقل به نام "مبادی هستی شناسی نظریه اعتباریات" بررسی کرده ایم که به زودی آماده چاپ میشود.

<sup>۱۶</sup> طباطبایی، نهاییة الحکمة، ص ۷۰

هستی، آخرین عالم، نظام عالم ماده است؛ یک نظام واحد و متصل که موجودات مادی اجزای آن هستند. عالم ماده به عنوان پایین ترین مرتبه عوالم هستی، حرکت صعودی خود را آغاز کرده و به سمت غایت واحد خود یعنی تجرد محض حرکت می‌کند و تمام اجزای خود را متناسب با این هدف، بصورت تکوینی هدایت می‌کند؛ هدایتی تکوینی، که از طریق نظم بخشیدن و تجهیز هر یک از موجودات مادی به جهازات وجودی صورت می‌گیرد.<sup>۱۷</sup>

حال از آنجا که اقتضای ذاتی و فطری هر موجودی، کمال و سعادت آن موجود است از این رو کمال هر نوعی تکوینا وابسته به جهازات وجودی ایست که عالم ماده او را به آن مجهز کرده است.<sup>۱۸</sup> در این میان انسان و حیوان، از این نظام تکوینی مستثنا نبوده و به اقتضای این تجهیز تکوینی، مسیری متناسب به جهازات و خلقت خاص خود را میپیمایند و از همین جاست که به خاطر ساختار ویژه خود، برای حرکت به سوی کمالشان اضطرابا نیاز به واسطه قرار دادن ادراکات اعتباری دارند<sup>۱۹</sup> و چون این نوع ادراکات ضرورتا تابع و طفیلی جهازات مادی هستند، اندیشه های اعتباری در هر کدام به تناسب جهازات مادی خود او شکل می‌گیرد و لاجرم دارای نظام اعتباری و فکری و حیاتی خاص خود می‌شوند. اقتضای ساختار مادی و گستردگی نیازهای انسان باعث میشود تا او برای حرکت به سمت کمال خود بر خلاف حیوانات تکیه به تعقل و اندیشه کند. این اقتضاء امری فطری است از این رو ابزار اختصاصی و متمایز انسان از حیوانات تعقل خواهد بود پس نظام اعتباری او نیز باید عقلی باشد تا به کمال نوعی اش برسد.<sup>۲۰</sup>

این نوع نگاه هستی شناسانه باعث شده تا کلید اساسی در ترسیم نظام اندیشه های اعتباری و تحلیل آنها، جهازات وجودی و کلیت وجودی انسان باشد؛ جهازاتی که اندازه، چگونگی افعال و ماده افعال و در کنار آن به اقتضای کلیت فطری انسان سبک زندگی انسان را حد و حدود می‌دهند؛ از همین جاست که سبک زندگی ای که انسان را به کمال نوعی- اش می‌رساند زندگی اجتماعی بوده و مناطِ روابطش در قدم اول، اصل تعاون اجتماعی و اصل عدالت می‌باشد؛ اگر چه چگونگی افعالش را از جهازات مادی اش می‌گیرد. فروع و تفصیلات این طرح را باید در نظریه ادراکات اعتباری و در ذیل مباحث اجتماعی در سایر آثار علامه دنبال کرد.

## ب- منطق اندیشه های اعتباری و نظام آن

حال به خود نظریه ادراکات اعتباری میرسیم. ساختار وجودی انسان به گونه ای است که برای رسیدن به کمالات ثانیه خود ناچار است اندیشه های اعتباری را واسطه قرار دهد. اولین اندیشه اعتباری که در ذهن انسان شکل می‌گیرد اندیشه باید است که ناشی از اولین احساس نیازی است که در ظرف ادراک او شکل می‌گیرد؛ انسان در اولین ناآرامی ای که برای

<sup>۱۷</sup> طباطبایی، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۲۳۸، همو، بررسی های اسلامی، ج ۱، مقاله مسئله ولایت و زعامت، ص ۱۵۸-۱۵۷

<sup>۱۸</sup> همو، انسان از آغاز تا انجام، ص: ۵۷، همو، مجموعه رسائل، ج ۲، رساله الولاية، ص: ۶۰

<sup>۱۹</sup> همو، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۱۵۶

<sup>۲۰</sup> همو، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۱۳۶، همو، بررسی های اسلامی، ج ۱، مقاله محمد صلی الله علیه وآله و اسلام، ص ۳۸، همو، شیعه در اسلام، ص ۱۳۷-۱۳۸

برای یکی از جهازات وجودی اش پدید میآید (مثلا گرسنگی برای جهاز هاضمه) به یاد آرامشی که قبل از آن ناآرامی در آن جهاز وجودی بود می افتد (به یاد سیری می افتد) و میخواید آن رابطه تکوینی و ضروری را که بین آن جهاز و اثرش بود (مثل جهاز هاضمه و اثرش که هضم کردن است) و باعث آرامشش می شد را دوباره محقق سازد و دوباره آن آرامش را تجربه کند از این رو چون از سوئی تنها به آن آرامش که هویتش یک ضرورت وجودی است میاندیشد و آن رامیخواید و از سوی دیگر تحقق آن ضرورت متوقف بر افعال و کارهایی است ناچاراً و اضطراراً حکم آن ضرورت و آرامش را به افعال و کارهایی که منتهی به آن میشود نیز میدهد در نتیجه مفهوم باید در ذهن او شکل میگیرد.<sup>۲۱</sup>

پس اولین اندیشه اعتباری در او پدید میآید یعنی آن نسبت حقیقی ای در بین جهاز وجودی اش و آثار آن بود را در بین خود و بر طرف کننده نیاز آن جهاز وجودی قرار میدهد و مفهوم "باید" و اندیشه های اعتباری در او شکل میگیرد.

مثالی روشن تر؛ انسان وقتی پای در حیات مادی میگذارد و اولین بار با گرسنگی مواجه میشود و جهاز هاضمه خود را نا آرام می یابد به یاد سیری میافتد و رابطه ضروری ای که به سبب این سیری در بین جهاز هاضمه و کارش که هضم کردن بود می افتد و میخواید آن را دوباره محقق سازد از این رو آن نسبت ضروری تکوینی را که اولین بار اینگونه ادراکش کرده را به چیزهایی هم که منتهی به آن ضرورت تکوینی میشود قرار میدهد یعنی در مثال گرسنگی مفهوم ضرورت را بین خود و رافع نیاز جهاز هاضمه میگذارد در نتیجه گزاره اعتباری "من باید سیر شوم" در ذهن او پدید میآید.<sup>۲۲</sup>

با همین سازوکار اندیشه های اعتباری گوناگون در مواجهه با نیازهای گوناگون فردی و اجتماعی و .. در انسان پدید میآید؛ البته امکان دارد در این بین برای رسیدن به یک منفعت، تعداد زیادی از اندیشه های اعتباری را بسازد که در یک سلسله اندیشه های اعتباری منجر به رسیدن به منفعت مطلوب میگردند.

طبق بیانی که گذشت علامه به تبیین وجوه معرفت شناختی و وجودشناسی و منطقی اعتباریات پرداخته و ۷ ویژگی را برای همه اندیشه های اعتباری بیان میکند.<sup>۲۳</sup>

علامه طباطبایی در مرحله بعد به نظام اندیشه های اعتباری میپردازد. اولین دسته از اندیشه های اعتباری، اندیشه هایی هستند که قائم به شخص هستند و انسان در صدور افعالش یا ایجاد سایر اندیشه های اعتباری اش نظر به این اعتبارات دارد. این اعتباریات را اعتبارات عام یا قبل از اجتماع مینامد که عبارت اند از: واقعیت دادن به قطع، اعتبار باید، اعتبار فایده داشتن افعال، اعتبار حسن و قبح در مرحله صدور فعل، اعتبار انتخاب اخف و اسهل، اعتبار اختصاص و اعتبار استخدام. همه این اعتباریات اعتباریاتی اضطراری هستند که انسان به اقتضای ساختار وجودی اش در افعالش به آنها

<sup>۲۱</sup> همو، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۱۲۰-۱۲۲

<sup>۲۲</sup> همان، ص ۱۲۲

<sup>۲۳</sup> همو، اصول فلسفه رئالیسم، ص ۱۱۵

توجه دارد و مبنای سایر اندیشه های اعتباری او هستند از این رو بخش مهمی از تحلیل نظام مند سایر اندیشه های اعتباری قرار میگیرند.

دسته دوم اندیشه های اعتباری ای هستند که قائم به اجتماع هستند. اصل استخدام که از اعتباریات قبل از اجتماع است اعتبار اجتماع را پدید میآورد و از همین جا یک دسته اندیشه های اعتباری پدید میآیند که ناشی از آن دسته از نیازهای انسان هستند که تنها با زندگی اجتماعی بر طرف میشوند پس قائم به اجتماع هستند. این اندیشه های اعتباری دنباله همان اعتباریات قبل از اجتماع هستند که وقتی وارد زندگی اجتماعی میشوند مناسب با نیازها و زندگی اجتماعی و فروع آن در یک چارچوب و قیود خاصی قرار میگیرند. اینها عبارت اند از:

۱. اعتباراتی که مبنای قانون گذاری هستند. اعتبار اصل عدالت به عنوان اولین اصل ناشی از خود اجتماع و محور سایر قوانین و اجزای اجتماعی

۲. اعتبار ملکیت اعم از ملکیت عین یا فایده که ناشی از اصل اختصاص است و تقسیمات و اقتضانات مربوط به آن.

۳. اعتبار کلام و انشعابات و شقوق آن که ناشی از اعتبار اجتماع و نیاز اجتماعی انسان برای برقرار ارتباط بین افراد میباشد.

۴. اعتباراتی که ناشی از جهت عدم تساوی افراد جامعه میباشند یعنی ریاست و مرئوسیت و لوازم آن همچون اعتبار امر و نهی، جزاء و پاداش، وجوب و حرمت، اوامر و نواهی مولوی. این اعتبار نیز فرع اعتبار اجتماع و عدالت اجتماعی است.

۵. اعتباراتی که ناشی از جهت تساوی افراد جامعه میباشند و باعث پدید آمدن اقسام مبادله ها، ارتباطها، حقوق متعادل اجتماعی، اوامر و نواهی ارشادی. این اعتبار نیز فرع اعتبار اجتماع و عدالت اجتماعی است.

هر کدام از این اعتباریات با توجه به غرضشان در مواجهه با نیازها و مصالح قوا، مصادیقشان تغییراتی می یابد از این رو باید توجه داشت که اعتبار اخف و اسهل در تمام این قوانین جاری بوده و باعث میشود تا حیات انسانی، به اقتضای زمان و مکان روز به روز رو به تکامل نهد و هر روز مناسب نیازهای حقیقی جامعه و پیشرفت علوم یا تغییر شرائط محیطی و .. شرائط و ابزارهای جدیدتری پدید آید در نتیجه مصادیق اندیشه های اعتباری نیز کم و زیاد یا تغییر کنند البته بعضی از اصول و کلیات اندیشه های اعتباری همیشه ثابت هستند از این رو با دو دسته اندیشه های ثابت و متغیر در جامعه بشری روبرو خواهیم بود که یکی مربوط به مصادیق و دیگری مربوط به اصول اندیشه های انسان خواهد بود.

انسان چون با اصل اعتباری ضرورت اجتماع زندگی اجتماعی خود را تشکیل میدهد دارای هویت اجتماعی میشود این هویت اجتماعی باعث میشود تا در ظرف اجتماع این اندیشه های اجتماعی که باعث کمال جامعه میشود را حسن و



خلاف آن را قبیح شمرد اگر چه امکان دارد گاهی در مصادیق آنها اشتباه کند و مسیری خلاف اندیشه فطری اجتماعی اش برود.

سومین دسته از اندیشه اعتباری، اعتباریات عبادی هستند. منشا اعتبار اندیشه های اعتباری در زندگی بشری ناشی از دو جهت میباشد؛ اول اینکه بعضی انسان همچون اولیای الهی به سبب طینت پاکشان، نفوسشان اوج گرفته و حقایق را درک کرده اند و همین باعث خضوع آنها نسبت این حقائق شده و بواسطه وحی یا الهامات الهی اعتبارات عبادی را پدید آورده اند.

دوم اینکه اعتباریات عبادی در کنار سایر حقائق الهی همچون مبدأ و معاد ضامن التزام به احکام اجتماعی هستند از این رو التزام به اعتباریات عبادی و تربیت مبتنی آنها با تمام اختلاف مراتب نسبت به افراد مختلف، برای همه اقشار جامعه لازم هستند. خود این اندیشه های عبادی نیز به اقتضای فطرت اجتماعی انسان، با اشکال و رفتارهای اجتماعی انسان عجین خواهد بود از این رو هر نوع عبادتی را نیز نمیتوان عبادتی صد در صد فطری دانست بلکه باید با جنبه های فطری دیگر انسان هم هماهنگ باشد از این رو عبادت در تمام مراتب آن در اسلام نوعی متمایز از دیگر سبک های عبادی یا توحیدی با سایر ادیان ابراهیمی و ادیان غیر ابراهیمی است.

### ج. رابطه ادراکات اعتباری با معاد

بخش سومی که علامه در رابطه با ادراکات اعتباری مطرح کرده است ارتباط این اندیشه ها با معاد است. این بخش کم ترین بحث های علامه در رابطه با اعتباریات را تشکیل میدهد. علامه در این بخش بیان میکند که اندیشه های اعتباری وقتی در نفس انسان رسوخ میکنند و ثبات می یابند تبدیل به ملکه میشوند و فضائل یا رذائل اخلاقی را میسازند.<sup>۲۴</sup> این اندیشه های اعتباری رسوخ یافته در صورتی که نیکو باشند فعلیت ها و صورتی های نیکی را در نفس بعد از مرگ پدید میآورند و باعث سعادت مند شدن شخص در قیامت میشوند.<sup>۲۵</sup>

### ۴. پتانسیل فلسفی برای تحلیل مفاهیم و علوم اجتماعی

از ۳ عنوان گذشته یک عنوان بسیار مهم استخراج میشود و آن ظرفیتی است که این نظریه برای تحلیل مفاهیم و علوم اجتماعی پدید میآورد.

<sup>۲۴</sup> همو، مجموعه رسائل، رسالة المنامات و النبوات، ص ۳۹۲

<sup>۲۵</sup> همو، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۲۲

اولا این نظریه ابزاری برای برای تحلیل مفاهیم اعتباری ای است که در زندگی انسان پدید آید که موارد بسیار زیادی در خود این نظریه مورد بررسی قرار گرفته اند. مواردی هم که مورد بررسی قرار نگرفته اند با ظرفیتی که این نظریه فراهم کرده است براحتی میتوانند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

ثانیا این نظریه با سیری که از پیدایش مفاهیم و اندیشه های اعتباری میدهد جایگاه منطقی هر مفهوم اعتباری به خوبی نمایان میکند این مسئله در بعضی از تحلیل ها بسیار راهگشا میباشد؛ به عنوان مثال بر اساس تحلیلی که از این نظریه پدید می آید مسائلی همچون ربا بر خلاف تصور بسیاری اندیشمندان، همان گونه که وجه شرعی ندارند وجه عقلایی نیز نخواهد داشت زیرا از آنجا که ربا از فروع ملکیت و اندیشه های قائم به اجتماع است نباید در ظرف فردیت تحلیل گردد تا حکم به حُسن آن در نگاه عقلاء شود بلکه از آنجا که ربا ظرف تحقق و قوامش در ظرف اجتماع است باید در این ظرف آن را مورد تحلیل قرار داد در نتیجه همیشه همه عقلا حکم به قبح آن خواهند کرد زیرا طبیعت ربا دائما اینگونه است که یک طرف در جامعه بر ثروتش افزوده شده و طرف فقیر فقیر تر میشود؛ لذا ربا مفهومی برآمده از ظرف اجتماع است هیچ وجه حسن اجتماعی و عقلی ندارد و جایگاهی در قوانین فطری اجتماعی برای آن وجود ندارد و خلاف تدبیر عقل خواهد بود.

ثالثا این نظریه چگونگی تطور مفاهیم اجتماعی و پیدایش نظام اجتماعی را تبیین و ترسیم میکند و به محققین در زمینه های نظام سازی و تمدن سازی این امکان را میدهد که نقشه راه خود را بهتر و روشن تر ترسیم کنند کما اینکه این نظریه این امکان را فراهم میکند تا با تحلیل عقلی از چگونگی پیدایش اندیشه های اجتماعی و سیر تکامل یا ضعف آنها آشنا شد و به یک توان پیش بینی نسبت به تحولات اجتماعی و رفتارهای فرد یا جامعه در مواجهه با شرایط گوناگون دست یافت زیرا اساسا نیازهای فطری و تکوینی و شرایط زمانی و مکانی نقش اساسی را در سیر پیدایش اندیشه های اعتباری بازی میکنند.

رابعا از آنجا که در این نظریه نسبت بین اندیشه های اعتباری و فطرت انسان نیز تبیین شده است در نتیجه با تکیه به این نظریه، حکمت حرمت یا وجوب بسیاری از احکام شرعی را بهتر میتوان درک کرد. بعنوان مثال با تکیه به این نظریه علت حرمت شرب خمر را در خللی که در ابزار اصلی رشد انسان یعنی عقل پدید میآورد بهتر میتوان درک کرد.<sup>۲۶</sup>

## ۵. نظریه اعتباریات حلقه واسط ایجاد حکمت عملی متعالیه است

فلاسفه برای نفس انسان دو نیروی عالمه و عامله بیان کرده اند و اولی را عمدتا عقل نظری و دومی را عقل عملی نامیده اند.<sup>۲۷</sup> عقل نظری مدرک کلیات است و عقل عملی مدرک جزئیات. سپس دو محصولات عقل نظری را حکمت نظری و

<sup>۲۶</sup> همو، بررسی های اسلامی، ج ۲، مقاله مشروبات الکلی از دیدگاه اسلام، ص ۲۳۳

حکمت عملی دانسته اند؛ حکمت نظری کلیاتی است درباره موجوداتی که منوط به اراده ما نیستند و حکمت عملی کلیاتی است درباره موجوداتی که منوط به اراده ما هستند و شامل افعال و ملکات و سعادت انسان میشوند.

در اینجا یک سوال پیش می‌آید و آن اینکه فلسفه پیدایش حکمت عملی چه بوده است؟ قطعاً پاسخ این است عقل عملی که متکفل تدبیر بدن است نیاز به کلیاتی دارد تا با توجه به آن وظیفه ذاتیش یعنی تدبیر بدن و رساندن آن به سعادت را، بدرستی انجام دهد لذا با توجه به قریحه واقع بینی انسان، نیاز به یک علم برهانی در این زمینه وجود دارد.

سوال دوم اینکه عقل نظری چگونه حکمت عملی را پدید می‌آورد؟ پاسخ این است با مطالعه عقل عملی و غایت آن، مدرکات عقل عملی را برای خود باز تعریف کرده و حکمت عملی را به عنوان کلیات و سند بالا دستی در اختیار عقل عملی قرار میدهد.

سوال سوم نقش نظریه ادراکات اعتباری در این بین چیست؟ نظریه ادراکات اعتباری در واقع همان بازتعریف و تحلیل نظری از عقل عملی و مدرکات آن است با این تفاوت که به جای مبادی فلسفه مشاء، هماهنگ با مبادی هستی‌شناسی حکمت متعالیه قدم برداشته است و هم اینکه علامه با کاوش‌های عمیق خود و یافته‌های خود، زوایای جدیدی را در آن کشف کرده است که میتواند حکمت عملی متعالیه را پدید آورد.

در واقع نظریه اعتباریات همان پرداخت عقل نظری به عقل عملی است که مرحله بعد آن منجر به حکمت عملی میشود؛ اما حکمت عملی متعالیه. عقل نظری نتیجه این بررسی‌های خود بر عقل عملی را اخذ میکند و با توجه یافته‌هایش در حکمت نظری گزاره‌های کلی‌ای را با عنوان حکمت عملی ارائه میدهد تا با توجه به آنها سعادت انسان را تأمین کند.

یک نکته مهم را در اینجا باید دقت داشت و آن اینست که موضوع نظریه اعتباریات عقل عملی و مدرکات آن است که همه جزئی هستند و اگر علامه احیانا وارد مباحث حکمت عملی میشود و یا به تبیین نظام اندیشه‌های اعتباری می‌پردازد عادات ناشی از دو جهت است یا در مقام پاسخ عقلی به بعضی مستشکلین بوده (مانند دفاع از حقوق زن در اسلام یا ارث، یا بحث جاودانگی اخلاق و ..) و یا در مقام تبیین عقلانی موضوعات علمی بوده است؛ چنانکه در رساله نبوات و منامات بیان میدارد که با تکیه بر نظریه اعتباریات به حل بعضی مسائل این رساله که احیانا در زمره مباحث حکمت عملی هستند مبادرت می‌ورزد.<sup>۲۸</sup> در واقع در این موارد با تکیه بر نتایجی که در نظریه اعتباریات بدست آورده است وارد فضای حکمت عملی یا ملت عملی شده است

<sup>۲۷</sup> ابن سینا، رساله نفس، ص ۲۴

<sup>۲۸</sup> طباطبایی، مجموعه الرسائل للعلامه طباطبایی، رساله المنامات و النبوات، ص ۳۸۵

از این روست که از باب مثال اگر معنای حُسن را بخواهیم از نظریه اعتباریات طلب کنیم در درجه اول به ما تحلیل مفهومی یا برهانی از مفهوم حسن در مرحله پیدایش این مفهوم را می‌دهد و میدانیم که در مرحله پیدایش، این مفاهیم همه جزئی و از لحاظ مصداقی متغیر هستند. در مرحله بعد وارد بحث برهانی برای کشف حسن واقعی و سعادت واقعی که عملاً وارد فضای حکمت عملی است میشود مثلاً لزوم جامعه و رییس برای جامعه را اثبات میکند. علامه طباطبایی به مرحله دوم در نظریه اعتباریات کمتر بها داده است و همت خود را صرف جنبه اول و بررسی همه جوانب اعتبار کرده است. کما اینکه احیاناً تاکید میکند که غرض اصلی او در نظریه اعتباریات همان مرحله اول است و از باب نتیجه گیری و تطبیق خارجی یا روشن تر شدن جوانب آن تحلیلها، وارد مرحله دوم شده است<sup>۲۹</sup> پس باید گفت اصل نظریه اعتباریات حکمت عملی را شامل نمیشود اما راه ورود به حکمت عملی است و در واقع نظامی اندیشه های اعتباری که علامه طباطبایی در آثار خود بیان میکند و به بررسی مراتب و سیر اندیشه های اعتباری فطری میپردازد خارج از نظریه اعتباری است اگر چه ثمره عملی آن نظریه (یا همان حکمت عملی مترتب بر آن نظریه) باید به شمار آورد.

در همان مثال حُسن که ذکر کردیم، اگر واژه حُسن را به اصل نظریه اعتباریات بدهیم در وهله اول میگویید اینکه ما بصورت فطری به انجام یک فعل خصوصیت حُسن می‌دهیم به خاطر ملائمتی است که با کمال جهازات وجود ما دارد پس حسن به معنای ملائم و کمال است<sup>۳۰</sup> و سپس برای روشن تر شدن، مثالها و تطبیقاتی نظام مند را بیان میکند اما اگر همین سوال را به حکمت عملی بدهیم در همان قدم اول خود ملکات و رفتارهایی که حاصل آن تحلیلهای برهانی و تحلیلهای دیگری که در حکمت نظریه در باب سعادت هستند را به ما ارائه میدهد. این بیان، تفاوت رسالت حکمت عملی و نظریه اعتباریات را به خوبی نشان میدهد.

از این بیان میتوان فهمید که کانه حکمای گذشته ما نیز، که حکمت عملی را برای ما به یادگار گذاشته اند اجمالاً روشی همچون روش نظریه اعتباریات را طی کرده اند اگر چه رساله مستقلی در این باب از خود به یادگار نگذاشته اند اما اجمال این مطلب را از مطالبی که در آثارشان خصوصاً در آثار فارابی احیاناً ذیل ملت عملی و حکمت عملی و حتی حکمت نظری بیان کرده اند میتوان اثبات کرد و اساساً از حیث منطقی بدون طی کردن این مسیر، رسیدن به حکمت عملی به نظر غیر ممکن می نماید لذا باید این ابتکار علامه را بسیار مغتنم شمرد آن را حلقه مفقوده ای از بحث های گذشتگان دانست که تا قبل از علامه طباطبایی بصورت مستقل به آن پرداخته نشده بود مخصوصاً اینکه با مبادی هستی شناسی حکمت متعالیه نیز برای رسیدن به یک حکمت عملی متعالیه غنی شده است.

---

<sup>۲۹</sup> همان، رساله اعتباریات، ص ۳۵۱

<sup>۳۰</sup> همان، ص ۳۵۲

## ۶. فلسفه مند کردن علوم انسانی با تکیه بر فلسفه صدرایی

این عنوان را میتوان نتیجه ۳ عنوان قبلی دانست. با نگاه به آثار علامه طباطبایی، نظریه اعتباریات با توجه به اتصالی که با حکمت صدرایی در خود پدید آورده است و نیز با توجه به منطق و نظام اندیشه های اعتباری که تولید کرده است و با همه ظرفیت هایی که برای تحلیل مفاهیم و علوم اجتماعی فراهم آورده است در کنار نقشی که برای ایجاد حکمت عملی متعالیه میتواند بازی کند باید گفت که عملاً ظرفیت فلسفه مند کردن علوم انسان با تکیه بر فلسفه صدرایی را فراهم کرده است.

تلاقی این موارد جایگاه نظریه اعتباریات را بسیار فزاینده میکند زیرا عملاً زمینه ورود فلسفه صدرایی به فضای علوم انسانی اجتماعی را تا حد زیادی هموار میگرداند و میتوان با کمک این نظریه امتداد علوم انسانی اجتماعی فلسفه صدرایی را با نظریه اعتباریات ادامه داد؛ از همین جاست که میتوان گفت ادراکات اعتباری، مجالی میدهد تا بتوانیم از درون سنت فلسفی در فرهنگ اسلامی-ایرانی که با حکمت متعالیه به بلوغ رسیده است و در جهت به کمال انسان به گفت و شنود با دیگران و ممارست در تفکر، اندیشه های تازه ای را بدست آوریم<sup>۳۱</sup> و علوم انسانی صدرایی را پدید آوریم.

## ۷. همپوشانی با مفاهیم دینی برای درک حقائق و افعال ارادی و مراتب آنها و ثمره این همپوشانی (در ظهور گیری، در درک بهتر، ..)

نکته دیگری که در آثار علامه طباطبایی ره دیده میشود و ارزش این نظریه را بیشتر میکند دیدگاه ایشان در باب رابطه دین و فلسفه است. از دیدگاه علامه طباطبایی، دین الهی به ویژه اسلامی، همان کمال فلسفه الهی است و تمایزی میان محکی آنها وجود ندارد<sup>۳۲</sup> تمایز دین و فلسفه در دو چیز است؛ نخست تنظیم مطالب و ترتیب مسائل؛ دوم زبان دین و فلسفه<sup>۳۳</sup>.

مناسبات دین و فلسفه در مقام فهم، عبارت از روشهایی زبانی مبتنی بر تفسیر قرآن به قرآن که دانش فلسفه را با فهم صحیح از متون دینی به جایگاهی میرساند که کمال آن در فلسفه ای دینی متجلی میشود که در آن همه قضایای نظریه و

---

<sup>۳۱</sup> طالب زاده، نگاهی دیگر به ادراکات اعتباری، امکانی برای علوم انسانی، مجله جاویدان خرد، شماره ۱۷، ص ۶۲

<sup>۳۲</sup> انصاریان، اکبریان، نبوی، نظریه اعتبارتفسیر در اندیشه علامه طباطبایی مقدمه بر فلسفه الهی اسلامی، مجله پژوهشنامه فلسفه دین،

شماره ۲۵، ص، طباطبایی، الانسان والعقیده، مقاله علی والفلسفة الالهية، ص ۲۷۸

<sup>۳۳</sup> انصاریان، اکبریان، لطف الله، نظریه اعتبارتفسیر در اندیشه علامه طباطبایی مقدمه بر فلسفه الهی اسلامی، مجله پژوهشنامه فلسفه دین، شماره ۲۵، ص ۱

عملی بالتحلیل به اصل توحید بازگشت داشته باشد<sup>۳۴</sup> اما این مسئله یک طرف دیگر نیز دارد و آن اینکه هر چقدر انسان هوش خود را بیشتر استحکام بخشد درک بهتری از مفاهیم قرآنی و لوازم آن خواهد داشت از همین جاست که علامه طباطبایی فلسفه اجتماعی را با تکیه بر نظریه اعتباریات و مبادی هستی‌شناسی خاص به آن تحلیل میکند اما نه از باب تحمیل به قرآن بلکه از باب دقت در مفاهیم قرآن و دنبال کردن این مفاهیم و لوازم آن<sup>۳۵</sup>. یکی از مهمترین دلایل این است که قرآن احکام و علوم خود را بر محور فطرت و بر اقتضای آن میدانند و نظریه اعتباریات نیز دقیقاً به همین نقطه توجه داشته و از مهمترین اهداف آن سعی در تبیین جهت فطری و غیر فطری اندیشه‌های اعتباری می‌پردازد.

علامه طباطبایی تلویحاً در موارد متعددی به هماهنگی مبادی هستی‌شناسی نظریه اعتباریات و اندیشه‌های اسلامی اشاره میکند. از مهمترین این مبادی تاکید بر این است که اندیشه‌های اعتباری در صورتی که متکی بر ساختار وجودی انسان باشند اندیشه‌هایی هادی به سمت سعادت خواهند بود؛ برای مثال در ذیل تفسیر آیه ۵۰ سوره طه "رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى" اثبات می‌کند که هدایت خداوند در واقع همان هدایت به جهازات وجودی موجود می‌باشد و در واقع هدایت غیر از این نمی‌تواند معنا داشته باشد<sup>۳۶</sup> و ضرورتاً تشریح و دستورات دین خداوند چیزی جز اقتضای فطرت و جهازات وجودی او نخواهد بود؛ این نکته دقیقاً همان چیزی است که مناط شکل‌گیری و سیر اندیشه‌های اعتباری را در نظریه اعتباریات نظام می‌بخشد.

ایشان در کتاب بررسی‌های اسلامی در ذیل بحث جهان بینی اسلامی صراحتاً به این معنا تاکید کرده و بیان میکند که تقدیر و هدایت عمومی الهی همان چیزی است که اقتضای وجود انسان است و همه اینها در سیر علل به خدای آفریدگار منتهی میشود<sup>۳۷</sup> و در ادامه مینویسد:

«چون آفرینش کار خدا و از آن اوست و هرگونه اثر زیبایی که مشهود می‌شود به ساحت رحمت او منسوب است، اقتضایی که آفرینش ویژه انسان، نسبت به اعمال انسان دارد اراده خدا نامیده می‌شود (البته این اراده، اراده تشریحی است و نتیجه راهنمایی و مسئول قرار دادن را می‌دهد و غیر از اراده تکوینی است که هرگز تخلف نمی‌کند) و تکالیف و دستوراتی که به دست می‌آید امر و نهی خدا شمرده می‌شود: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» و نظر به این که این دین تکالیف و فرمان‌هایی است از جانب خدای آفریننده، کسی که مقررات اعتقادی و عملی آن را پیروی کرده به اراده

<sup>۳۴</sup> انصاریان، اکبریان، لطف الله، نظریه اعتبارتفسیر در اندیشه علامه طباطبایی مقدمه بر فلسفه الهی اسلامی، مجله پژوهشنامه فلسفه دین، شماره ۲۵، ص ۱

<sup>۳۵</sup> همو، بررسی‌های اسلامی ج ۱، مقاله مسئله زعامت و ولایت، ص ۱۵۶

<sup>۳۶</sup> طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۳۲

<sup>۳۷</sup> همو، بررسی‌های اسلامی، مقاله محمد صلی الله علیه و آله و اسلام، ص ۳۳

خدا گردن نهاده و تسلیم گردیده است، این دین در عرف قرآن کریم دین اسلام نامیده شده: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۳۸</sup> و «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»<sup>۳۸</sup>.

طبق این بیان بصورت واضح مشخص شد که اساسا رسالت انبیاء و امامان همان برگرداندن انسان به اقتضای فطرت و ساختار وجودی اش می باشد؛ فطرتی که در یک حرکت جوهری از مادی ترین حالت به سمت تجرد محض در حرکت است و در تمام انسان ها و زمان ها یکی است و اساسا غیر از اقتضای آن، ضلالت خواهد بود.

و از این جهت است که علامه در تفسیر المیزان و نیز کتاب بررسی های اسلامی اساس مکتب تربیت اسلام را بر روی همین مبانی ای که در مبادی هستی شناسی نظریه اعتباریات بیان کرده دانسته و تاکید میکند اساس تعلیم و تربیت اسلام همچون نظام اندیشه های اعتباری فطری، بر اساس تعقل است و انسان فطری با تعقل خدادادی خود و خالی از شائبه اوهام و خرافات، صحت و واقعیت آنها را تأیید می کند<sup>۳۹</sup> و اساسا هم اسلام طی کردن همین مسیری طبیعی است که متکی بر حرکت در مسیر تکوین است<sup>۴۰</sup>. از همین جاست که نظریه اعتباریات با منطق و نظام اعتباری ای که ارائه میدهد مبنای فهم بهتر اغراض اجتماعی قرآن گردیده است و اثر خود را در فهم بهتر و ظهور گیری دقیقتری مشخص میکند.

### تحکیم جایگاه نظریه اعتباریات

همه این بررسی ها نشان میدهد که نظریه اعتباریات، ابتکاری مهم در علوم اسلامی محسوب میشود که اولاً هنوز آنگونه که باید در جایگاه شایسته خود قرار نگرفته است ثانیاً پرداختن به این نظریه آغاز تدوین علوم انسانی بومی و اسلامی با تکیه بر مبانی عقلی اسلامی باشد اما با همه اینها باید دقت داشت که هر چند ما در اینجا بصورت کلان به جایگاه و ظرفیت های این نظریه پرداختیم اما باید دقت داشت که زمانی جایگاه این نظریه ابتکاری در مجامع علمی و اندیشه اسلامی مستحکم میشود که به چند نکته ضروری توجه اساسی شود:

**اولاً** این نظریه با همه جایگاهی که در علوم انسانی اسلامی میتواند داشته باشد هنوز نیاز به بسط و تفصیل بیشتری دارد زیرا بنای علامه طباطبایی بر موجز نویسی بوده است در نتیجه ابهامات بسیاری در فهم بعضی عبارات های این نظریه وجود دارد که نیاز به تبیین و پژوهش های اساسی ای در آن میباشد. این مسئله عیناً در مبادی هستی شناسی این نظریه نیز مطرح است زیرا اگرچه علامه در آثار خود بصورت کلی، مبادی هستی شناسی این نظریه را نیز تبیین کرده است اما از آنجا که این مبادی به نوعی به روز شده بعضی مطالب فلسفه مخصوصاً فلسفه صدرایی هستند و در قسمت هایی در تقریر

<sup>۳۸</sup> همو، بررسی های اسلامی، ج ۱، مقاله مسئله ولایت و زعامت، ص ۳۵

<sup>۳۹</sup> همان، ج ۱، مقاله اسلام و نیازمندی های انسان معاصر، ص ۷۸-۷۷

<sup>۴۰</sup> همو، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۹۸

جدیدتری بیان شده اند نیاز به توضیح و تبیین بیشتری دارند. مثلاً به نظر میرسد حرکت جوهری در این نظریه به گونه ای تطبیقی تر تبیین شده است یا مسئله نقش جهازات مادی در اندیشه های اعتباری بگونه ای تبیین شده است که چالش ها و شبهاتی را در ذهن مخاطب پدید میآورد مخصوصاً اینکه این نظریه به تفسیر احکام اجتماعی اسلامی نیز میپردازد همین باعث میشود تا صرف تکیه بر رساله اعتباریات یا مقاله ادراکات اعتباری کافی نباشد.

ثانیاً تکیه صرف بر مقاله ادراکات اعتباری، رساله اعتباریات، رساله تحلیل و رساله ترکیب<sup>۴۱</sup> ما را با همه اندیشه ها و تحلیل‌های علامه طباطبایی درباره نظریه اعتباریات آشنا نمیکند بلکه هنوز مطالبی در ذیل سایر مکتوبات علامه وجود دارند که در این مقالات وجود ندارند زیرا اساساً هر کدام از این مقالات یا نوشته ها ملتزم به غرض ها و پرسش های خاصی هستند و دغدغه خاصی را دنبال میکنند. در سایر آثار علامه مطالب بسیار دیگری نیز وجود دارد که علامه به آنها پرداخته است. مثلاً در هیچ کدام از این رسائل به غالب مبادی هستی شناسی نظریه اعتباریات یا به رابطه اندیشه های اعتباری با سعادت انسان، یا به جایگاه و فلسفه اعتباریات عبادی یا عرفانی در نظام اندیشه های عبادی و یا به دهها مسئله دیگر پرداخته نشده است؛ حال آنکه مسائل پرشماری در ارتباط با نظریه اعتباریات و لو بصورت موجز اما عمیق در سایر آثار علامه مورد بررسی قرار گرفته اند هر چند در ذیل تفسیر یک آیه یا تحلیل یک اندیشه بدانها پرداخته شده است.

ثالثاً علی رغم اینکه علامه گستره بسیار زیادی از اندیشه های اعتباری و احکام و اقسام آنها را بررسی کرده است اما برای اینکه این نظریه در جایگاه شایسته خود قرار گیرد نیاز است که در ذیل حرکت جوهری و حکمت صدرایی یک بار دیگر بازنویسی شود و ابعاد مختلف آن هر کدام در جای خود قرار گیرند. خوب است که این بازنویسی بصورت آموزشی باشد یعنی در یک مرحله بصورت مختصر نمایی از این اندیشه در ذیل حرکت جوهری ارائه شود و رابطه آن با حکمت متعالیه و معاد مشخص شود سپس با بدست آمدن یک نمای کلی از آغاز تا پایان این نظریه به صورت تفصیلی ابعاد مختلف این نظریه تشریح شود. و در مرحله سوم بعضی از بخش هایی که امکان گنجاندن آنها در این طرح تفصیلی نیست بصورت مقاله هایی کوتاه گردآوری شوند.

این ۳ مرحله جایگاه این نظریه ابتکاری و استفاده از ظرفیت های آن را در مجامع علمی و اندیشه اسلامی مستحکم میکند.

## نتیجه گیری

ما در این مقاله با تکیه بر آثار علامه طباطبایی و با نگاه به ابعاد و ظرفیت های کلان نظریه ادراکات اعتباری سعی کردیم جایگاه این نظریه را در علوم اسلامی روشن کنیم. نظریه ادراکات اعتباری نظریه ای برهانی است که به تجزیه و

<sup>۴۱</sup> سه رساله اخیر در کتاب مجموعه رسائل بعلمه الطباطبایی آمده اند.



تحلیل اندیشه های اعتباری و ابعاد مختلف آنها میپردازد. این نظریه از سویی ناظر به همه افعال ارادی انسان میباشد؛ از سوی دیگر توانسته است ارتباط خود با مبادی هستی شناسی صدرایی و نیز نقش این اندیشه ها در معاد را روشن کند؛ از سوی دیگر توانسته است در طرحی نو و مستقل، منطق اندیشه های اعتباری را تبیین کند و در کنار آن به تشریح نظام اندیشه های اعتباری انسان بپردازد.

این خصوصیات باعث شده که پتانسیل فلسفی مهمی برای تحلیل مفاهیم و علوم اجتماعی پدید آید و فلسفه صدرایی قدم های جدیدی در فلسفه مند کردن علوم انسانی اجتماعی بردارد و ظرفیت های جدیدی در آن فعلیت یابد و به نوعی بحث قوه و فعل و حرکت جوهری فلسفه اسلامی ابعاد اجتماعی و انسانی خود را پیدا کند.

نکته دیگری که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت این است که نظریه اعتباریات همان چگونگی پرداخت عقل نظری به عقل عملی است که مرحله بعد آن، حکمت عملی خواهد بود؛ از این رو باید گفت نظریه اعتباریات حلقه واسط پدید آمدن حکمت عملی متعالیه نیز میتواند باشد.

و نکته پایانی اینکه باتوجه به این که فلسفه و دین هر دو حکایت گر از یک واقعیت هستند و تنها اختلاف آنها در زبان و ترتیب مسائل آنهاست از این رو نوعی همپوشانی بین آنها برقرار میباشد. نظریه اعتباریات به عنوان یک نظریه برهانی و فلسفی از این قاعده مستثنی نیست و بدون اینکه بخواهد بر دین، معنایی را تحمیل کند در درک و تحلیل بهتر آن، کمکهای مهمی را خواهد کرد.

در مجموع نظریه ابتکاری اعتباریات در تمام شئون اجتماعی و علمی نقش مهمی را میتواند ایفا کند و ظرفیت این را دارد پلی باشد تا خلا یک نظریه فلسفی-اسلامی در علوم اسلامی را پر کند مخصوصا اینکه علامه طباطبایی، منطق و سیر اندیشه های اعتباری را به صورت کاملا هماهنگ و منسجم با مبادی و غایات و اصول عامه حکمت صدرایی بصورت کاملا مبتکرانه ای تبیین کرده است از این رو باید گفت این نظریه در یک معنای عام و گسترده بگونه ای که هم اصل این نظریه را شامل شود و هم مبانی صدرایی هماهنگ شده باید این نظریه را شامل شود، همان منطق متعالیه علوم اعتباری است .

اما با این همه برای تحکیم جایگاه این نظریه در مجامع علمی نیاز است که ۳ مرحله، بسط و تفصیل، تجمیع و تحلیل همه مطالب مرتبط با اعتباریات از همه آثار علامه طباطبایی و سپس بازنویسی این نظریه در ذیل حرکت جوهری و حکمت متعالیه صورت گیرد.

## منابع

کتب:

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات و التنبیہات، قم، نشر البلاغة، ۱۳۷۵ هـ ش، چاپ اول
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، رساله نفس، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۳ هـ ش، چاپ دوم
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه رسائل علامه طباطبایی، رساله وحی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷، چاپ اول
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، اصول فلسفه رئالیسم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷، چاپ دوم
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، الانسان و العقيدة، به تحقیق علی الاسدی، قم، مکتبه فدک لاحیاء التراث، مقاله علی و الفلسفة الالهية، ۱۴۲۶
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، قم، بوستان کتاب، ۱۲۸۸، چاپ دوم
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بررسی های اسلامی، مقاله مشروبات الکلی از دیدگاه اسلام، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸، چاپ دوم
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بررسی های اسلامی، مقاله محمد صلی الله علیه و آله و اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸، چاپ دوم
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بررسی های اسلامی، مقاله مسئله ولایت و زعامت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸، چاپ دوم
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بررسی های اسلامی، مقاله اسلام و نیازمندی های انسان معاصر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸، چاپ دوم
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمدباقر موسوی همدانی (مترجم)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸، قم، چاپ پنجم
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه الرسائل لعلامة الطباطبائي، رسالة الاعتباريات، قم، انتشارات باقیات، ۱۴۲۷ هـ ق، چاپ اول
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه الرسائل لعلامة الطباطبائي، رسالة التركيب، قم، انتشارات باقیات، ۱۴۲۷ هـ ق، چاپ اول
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه الرسائل لعلامة الطباطبائي، رسالة التحليل، قم، انتشارات باقیات، ۱۴۲۷ هـ ق، چاپ اول

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، مجموعه الرسائل لعلامة الطباطبائي، رسالة النبوات و المنامات، قم، انتشارات باقيات، ۱۴۲۷هـ.ق، چاپ اول
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، نهاية الحكمة، قم، موسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم، ۱۳۸۲، چاپ هجدهم

#### مقالات:

۱۸. انصاریان، زهیر، رضا اکبریان، لطف الله نبوی، نظریه اعتبارتفسیر در اندیشه علامه طباطبایی مقدمه بر فلسفه الهی اسلامی، پژوهشنامه فلسفه دین، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱-۲۴
۱۹. ترکاشوند؛ میرسپاه، تفسیر نو از اعتباریات علامه طباطبایی با نگاهی تطبیقی بر رساله اعتباریات و تفسیر المیزان، مجله معرفت فلسفی، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۲۵ تا ۵۴
۲۰. حسنی فر، عبدالرسول، کارکرد نظریه ادراکات اعتباری در اندیشه سیاسی-اجتماعی علامه طباطبایی، مجله پژوهش های فلسفی-کلامی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۱۹-۲۳۷
۲۱. صرامی، سیف الله، جایگاه ادراکات حقیقی و اعتباری در علم اصول فقه نزد علامه طباطبایی ره، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۲۷ و ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۲۳۶-۲۸۷
۲۲. طالب زاده، سید حمید، نگاهی دیگر به ادراکات اعتباری، امکانی برای علوم انسانی، مجله جاویدان خرد، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۹-۶۴
۲۳. مصلح، علی اصغر، «اعتباریات علامه طباطبایی» مبنای طرحی فلسفی برای فرهنگ، مجله حکمت و فلسفه، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۷-۴۶
۲۴. موسوی، هادی، سید حمیدرضا حسنی، نقش نظریه اعتباریات در جایگاه شناسی علم انسان شناسی، مجله انسان پژوهی دینی، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۹-۱۸۱
۲۵. هوشنگی، حسین، سید مرتضی حسینی، تقریری نو از مساله شر بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مجله فلسفه و کلام اسلامی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۳۷-۱۵۷
۲۶. یزدانی مقدم، احمدرضا، مردم سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۳۲-۱۵۴
۲۷. یزدانی مقدم، حرکت جوهری و ادراکات اعتباری با نگاه به اندیشه فلسفی-سیاسی علامه طباطبایی ره، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۱۵-۱۳۹